

متن پرسش

بسمه تعالی؛ سلام علیکم: ۱. در این روزگار وا نفسا که عملا آدمی که نیاز طبیعی آن به تنهایی، نیازی مبرم و حیاتی شده و تا در تنهایی عمیقی خود را معنا نکنی عملا هیچ معنایی آدمی نمی تواند از خود و جهان خود بیابد، روایاتی که از حضور شیطان در تنهایی و عدم گمراهی شیطان در زمان هایی که مومنین جمع اند، چگونه باید این دو را فهم کرد؟ مگر می شود چند ده سال با خود در تنهایی نباشی تا حقایق را نیابی اما زنده باشی و مگر در این روزگار می شود در جمع عامه مومنین بود و به غفلت و روزمرگی و وابستگی واهمه کشیده نشد؟ ۲. استاد عزیز بلطف الهی تا چند روز آینده مسئولیت ازدواج را عهده خواهم گرفت و دوران جدیدی را برای حضور هرچه نورانی تر خود به تجربه خواهم نشست. حال که لطف الهی شامل شد و بنده را هم به این مهم باز شده، از شما التماس دعای خیر همراه با نکته ای بعنوان تحفه، دارم ۳. استاد عزیز آیا امکان دارد که عقد بنده رو روز جمعه بصورت غیابی بخوانید؟ (که مزاحمتی برای شما ایجاد نشود و تنها در همین سایت و یا با حاج آقا نظری در ارتباط باشیم که بنده رو باخبر کنند از خوانده شدن عقد) ۴. ازدواج یک جهان بی حد و اندازه! ازدواج و مسئولیت پذیری اولین و بزرگترین مسئولیتیست که هر انسانی در مقابل غیر و اجتماع می پذیرد. هر انسان مسئولیت پذیری در هر اندازه ای که فعالیت اجتماعی داشته باشد، در ازدواج باید ذهنیت کار و تجربه آن را کسب کرده باشد بدین صورت که ازدواج جهانیست که بستر حضور در جهان انسان ها را فراهم می کند. به ازدواج به عنوان یک رابطه کوچک (دونفره) نباید نگاه کرد. ازدواج محلیست برای یافت بنمایه هر نوع و هر میزان ارتباط اجتماعی ای که بدان نیازی وجود دارد؛ با همسران هر روز یک نوع رفتار نباید داشت، به یک شیوه تکراری نباید محبت کرد، به یک نوع بروز بودن نباید اکتفا کرد، که همین روح انسان را برای هرچه بیشتر بودن می پروراند. و همین است که جای انسان ها را در دل آدمی باز می کند که بتوانی با هر کسی برخورد مناسب خودش را بر پایه ی از خود گذشتی ابراز کنی. ازدواج، آمیخته ای از عشق و تلاش بی پایان است و شاید به تعبیری؛ آنکه بدنبال بزرگترین رشد هاست بدنبال ازدواج می رود چرا که؛ کوره ی آدم سازیست؛ یک شمشیر بعد از چند ده بار آتش دیدن، چکش خوردن و آب خوردن شمشیر برانزده می شود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. بحث «یدالله مع الجماعة» همراهی با مؤمنین است به همان معنای «دل با یار و دست در کار» ۲. همان جمله حضرت امام دائماً باید مدّ نظر باشد که می فرمودند:

«نسبت به هم گذشت داشته باشید»^۳. روحیه این کار را ندارم و تا حال نیز چنین کاری نکرده‌ام.^۴ عرایضی نسبت به امثال جنابعالی که از دوستان هستی، شده است که عیناً خدمتتان ارسال می‌شود. هوالمحبوب

نامه‌ای به زوج‌هایی که در ابتدای پرواز خود هستند

ای همسرانی که بنا دارید در کنار همدیگر راه‌های کشف‌ناشده‌ی زندگی را طی کنید- راه‌هایی که هرگز به تنهایی نمی‌توانستید وارد آن‌ها شوید- بدانید که:

در پیوند ازدواج، هر دو باید از بسیاری چیزهایی که قبلاً با آن‌ها مأنوس بودید، دل بکنید و معلوم است که این کار سختی است. ولی کسی که از مأنوسات زندگی قبلی دل نکند، به زندگی جدید وارد نخواهد شد و بدون دستیابی به تولدی جدید، هنوز در زندگی کودکانه خود به سر می‌برد و تنها در فرد بودن خود به سر می‌برد و به کلیت جاری در زندگی مشترک دست نمی‌یابد.

وارد شدن به شرایط جدید سخت است، ولی متوجه باشید که پذیرفتن آن، تولّد جدیدی خواهد بود و کسی که حاضر نیست در هوای تازه تنفس کند، هنوز متولّد نشده است و «تا جنینی، کار خون آشامی است». باید در زندگی جدید هرکس قامت خود را اندازه بزند و ببیند در چنین شرایطی چه اندازه قد کشیده است، خوشه‌های گندم را در خرمن‌گاه باید کوفت تا برهنه شوند و اندازه خود را بیابند و گاه را قسمتی از خود نپندارند. و مسلّم رمز و راز برهنگی گندم از گاه، راز و رمز دل‌کندن از مزرعه است، چرا که تولّد جدید با مستوری دیروز در پوشش گاه‌های خیال و آرزوهای دروغین، امکان ندارد. پیوند ازدواج؛ يك تولّد جدید و در پی آن، تجلّی جدیدی در عرصه خانواده است و هرگز نباید به جهت سختی‌های زندگی، از تمّای این تولّد دست برداشت، پس قدم در راه نهید.

گداختن، آب‌شدن، صاف شدن و سر به راه نهادن، مانند جویباری که نغمه خود را در تنهایی شب، ساز می‌کند، معنی پیوند جدید دونفري است که دیگر دونفر نیستند، يك نفر هم نیستند، اصلاً دیگر از نفر بودن در آمده‌اند. آیا می‌توان به نوری که در تولّد صبحگاهان خورشید متولّد می‌شود و در پهن‌دشت زمین متجلّی می‌گردد، صفت يك نفر و یا دونفر داد؟ راهی بلندتر از یکی‌ها و دوتاها، راهی ماورای تعدّد و تکثّر، راهی از کثرت به سوي وحدت.

پیوند همسري؛ يعني همراهی دوبرال که باید با هماهنگی کامل به سوي آرمان‌های الهی زندگی سیر کنند، اما این همراهی و مودّت خدادادی را به زنجیر بدل نکنید که پای هر دو بدان گرفتار شود و هرکدام مانع رفتن دیگری گردد. «از نان خود به هم ارزانی دارید، اما هر دو از يك قرص نان تناول نکنید. امان دهید هريك در حریم خلوت خویش آسوده باشد و تنها.»

خانه؛ محیط خوش آرامشی است که توان شناسایی انسان را به خودش ارزانی می‌دارد، که تو تا کجا می‌توانی در درون خود بالا روی، و همسر تو بستر چنین آرامشی را برای تو فراهم کرده است. خانه اگر محل اندکی برای تن به راحت‌دادن انسان است در پرتو محبت همسر خود، ولی نه آنچنان که در اسارت رفاه درآیی و همسر خود را گرفتار خودخواهی‌های گردانی.

از نشانه‌های حضور خدا در بین شما، این‌که از جان خودِ شما همسرانتان را خلق کرد تا در آرامش و سکنی قرار گیرید و بین شما مودّت و دوستی و رحمت و گشایش قرار داد، «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»؛ هشدار که در پاسداری آن آرامش و مودت و رحمت، کوشا باشید.

پیوند ازدواج مقدمه شروع سکنی‌یافتن و سکنی‌گزیدن انسان است، تا هرکس آرامش خود را در دیگری بیابد و هرکس می‌طلبد تا منشأ آرامش دیگری باشد. اگر انسان هدف از زیستن را که عبارت است از «در قرب حق قرارگرفتن» بشناسد، جایگاه خانواده را در راستای چنین هدفی قدر می‌نهد.

با آرزوی توفیق برای عزیزان مان.

موفق باشید